

مسائل فرهنگی و افشاگری

بزرسی نقش عوامل فرهنگی

در

افشاگری سوء استفاده‌ی جنسی از کودک

بخش دوم

ترجمه: گلناز به گو

انتشار: سایت حق کودکی

<http://right-to-childhood.com>



مسائل فرهنگی و افشاگری

بررسی نقش عوامل فرهنگی در افشاگری سوء استفاده‌ی جنسی از کودک

بخش دوم

لیزا آرونسن فونتس: دانشگاه ماساچوست، امبرست، هادلی، ماساچوست، ایالات متحده آمریکا

کارول پلامر: دانشگاه هاوایی، هئولو، هاوایی، ایالات متحده آمریکا

مجله‌ی سوء استفاده جنسی از کودک، ۲۰۱۰

ترجمه: گلناز به‌گو

انتشار: سایت حق کودکی

هنجارهای فرهنگی احتمال اینکه سوء استفاده‌های جنسی از کودک، توسط یک بزرگسال کشف و یا به وسیله یک کودک افشا شود را تحت تاثیر قرار می‌دهند. این هنجارها تاثیر به‌سزایی نیز بر تصمیم‌گیری خانواده‌های قربانیان در مورد در میان گذاشتن خشونت با مقام‌های قضایی دارند. این مقاله به بررسی چگونگی تأثیر فرهنگ اقوام و مذاهب مختلف بر بازگویی خشونت و گزارش دهی آن در ایالات متحده و در جهان می‌پردازد. همچنین با در نظر گرفتن حساسیتهای فرهنگی، دستورالعملی در ارتباط با مصاحبه در مورد کودک آزاری تهیه کرده‌ایم تا افشاگری در مورد سوء استفاده‌ی جنسی از کودکانی که به فرهنگ‌های مختلف تعلق دارند در محیط‌های رسمی آسان‌تر شود.

کلیدواژه‌ها: سوء استفاده‌ی جنسی از کودک، افشاگری، فرهنگ، قابلیت فرهنگی، مصاحبه کردن، مصاحبه پزشک قانونی، چندفرهنگی، بین‌المللی

ارزش‌های مذهبی تاثیرگذار بر روند افشاگری

اگرچه که هیچ کدام از مذاهب رایج، از سوءاستفاده‌ی جنسی علیه کودکان دفاع نمی‌کنند اما طیف گسترده‌ای از هنجارها و انتظارات مذهبی ممکن است افشاگری را با مشکل مواجه کند. به طورمثال ممکن است از زنان و دختران کاتولیک انتظار برود که در سکوت از سوءاستفاده‌ی جنسی رنج ببرند، همچون مسیح که رنج مصلوب شدن را تحمل کرد آن‌ها نیز باید صرفاً آن را تحمل کنند. اصطلاحات مربوط به چنین امری در زبان اسپانیایی عبارتند از آگوانتراس^۱، رسیگنارس^۲ و سوبرپنرس^۳ که به ترتیب به معنی شکیبایی، پذیرش و غلبه بر سختی هستند. این‌ها ارزش‌هایی هستند که کودکان لاتین - به خصوص دختران - را ترغیب می‌کنند که به جای صحبت کردن و تغییر وضعیتی [که در آن مورد

¹ aguntrase

² resignarse

³ sobreponerse

سوءاستفاده قرار می‌گیرند]، با نیازها و احتیاجات خود کنار بیایند، خود را با شرایط تطبیق دهند و بر سوءاستفاده و سختی‌ها غلبه کنند (کوماس دیاز ۱۹۹۵). ضرب‌المثلی مسیحی در ترویج و تبلیغ تسلیم می‌گوید "خداوند هرگز چیزی فراتر از تحمل ما بر ما وارد نمی‌آورد". دختری کاتولیک، که از سوءاستفاده‌های جنسی برادرش نجات یافته، شرح می‌دهد که بعد از در میان گذاشتن مسئله با یک کشیش، به او گفته شد که باید اعتراف و طلب مغفرت کند (کندی، ۲۰۰۰).

شاید کودکان با باورهای مذهبی مشخص، دست به دعا ببرند که سوءاستفاده پایان یابد؛ و اگر ادامه یافت آن را به عنوان سرنوشتشان بپذیرند (کندی، ۲۰۰۰). مادر کاتولیک یک قربانی چنین می‌گوید "خداوند گاهی وقت‌ها می‌گذارد که اتفاقاتی در زندگی بیافتد تا شخصیت‌مان شکل بگیرد، یا ما را به رابطه نزدیکتر با خود بکشاند. من در زندگی خودم، فرزندانم و آزاردهنده‌اش بخش‌هایی می‌بینم که می‌دانم خداوند هدایت می‌کند اما نتیجه فراتر از چیزی است که من در این لحظه قادر به درکش باشم" (از تجربیات بالینی منتشر نشده، پلامر).

اعتقاد به وجود پدری تماماً قدرتمند و عاری از خطا در بهشت که قدرت کامل بر مردم دارد شاید کودک را به این برداشت برساند که هر کسی که نقش پدری را در زندگی زمین‌اش بازی می‌کند نیز از حقوقی برخوردار است که هر چه دوست دارد انجام دهد (کندی، ۲۰۰۰). چنین باوری می‌تواند مقاومت ایجاد کرده و افشاگری را به شدت سخت کند. اخیراً یک غسل تعمید دهنده به علت اینکه یک سال و نیم دختری ۱۲ ساله را با پارو کتک می‌زده است محکوم شده است. کشیش، این کار را به خاطر ادعاهای دختر در مورد سوءاستفاده‌ی جنسی توسط ناپدری‌اش انجام می‌داده است، ادعاهایی که نه تنها کشیش بلکه مادر نیز باور نمی‌کردند (آلن، ۲۰۰۹). کشیش که هرگز مورد را به مقامات قضایی گزارش نکرده بود در دفاع از خود مدعی شد که "هضم اتهام سوء استفاده‌ی جنسی خارج از توانش بوده است." ناپدری دختر در نهایت به جرم آزار جنسی محاکمه شد.

برخی کلیساهای پرنفوذ هنگامی که از سوءاستفاده‌ی جنسی مطلع می‌شوند "آیین رستگاری" را به جا می‌آورند که در آن سعی بر بیرون آوردن شیطان یا روح شیطان از بدن دارند. این روش برای کودکان چه به لحاظ روانی و چه به لحاظ جسمی می‌تواند ترسناک و تهدید آمیز باشد. در یک مطالعه، بیش از نیمی از کودکانی که چنین برخوردی را تجربه کرده‌اند آن را آسیب زننده خوانده‌اند. آن‌ها آیین‌های رستگاری (به خصوص احضار ارواح) را به گونه‌ای توصیف کرده‌اند که انگار چیزی شیطانی را به دلیل سوءاستفاده‌ی جنسی با خود حمل می‌کردند (فاکو، ۱۹۹۷ ذکر شده توسط کندی، ۲۰۰۰).

پیروان آیین بودایی ممکن است سوءاستفاده‌ی جنسی را یک مجازات کارمایی^۴ بدانند که به دلیل تخلفی که در زندگی قبلی انجام گرفته، پیش آمده است و برای همین کودک و خانواده‌اش را لکه دار ببینند. لو، (۲۰۰۰) در مقاله‌اش که در ارتباط با تجاوز در تایوان است می‌نویسد: "چنین نظام اعتقادی بر این باور است که هرگونه رویداد منفی زندگی از جمله تجاوز نتیجه‌ی اعمال فرد از زندگی‌های پیشینش است و [در نتیجه] به منظور جلوگیری از [ایجاد] چرخه معیوب کارمایی، نباید مجازاتی برای متجاوز در نظر گرفت". این به معنی تشویق قربانی و خانواده‌اش برای در میان نگذاشتن مسئله با مقامات قضایی است چرا که به این ترتیب به جای اینکه چرخه معیوب کارما در زندگی آینده پایان بگیرد در همین زندگی به انتها می‌رسد.

⁴ Karmic

در دین یهود تأکید مضاعف بر احترام به والد می‌تواند کودک را متقاعد کند که نباید درمقابل تعرض مقابله کرد و یا آن را بازگو کرد. همچنین گاهی از ممنوعیت بدگویی علیه دیگران (لاشُن هارا^۵) به عنوان دلیلی برای نام نبردن از آزار دهنده در انزار عمومی یاد می‌شود (سیلبرگ و دالام، ۲۰۰۹). با این حال، سنت حقوقی تلمود در دین یهود برای طرد والدینی که کودکانشان را مورد آزار قرار می‌دهند و سخن گفتن در مورد فرد متجاوز در ملائعام استثنا قائل است (دروف، ۲۰۰۳).

برخی روحانیون مسلمانان با استناد به اشاراتی در قرآن از آنها به عنوان توجیه ازدواج کودکان دختر (که معمولاً با مردان بسیار مسن‌تر صورت می‌گیرد) استفاده می‌کنند که این مسبب بالارفتن تعداد چنین ازدواج‌هایی در پاکستان، افغانستان و عربستان سعودی است. ازدواج کودکان نه تنها نقض حقوق بشر بین‌المللی است، بلکه زایمان برای دختران بارداری که هنوز از لحاظ فیزیولوژیک به آمادگی لازم نرسیده اند، می‌تواند منجر به مرگ شده و یا صدمات جبران ناپذیری را در تمام طول عمر برای آنها به همراه داشته باشد. کارشناسان نباید این توضیح مبتنی بر مذهب در مورد ازدواج کودکان را برای توجیه تجاوز در جوامع یا خانواده‌های مسلمان به عنوان اصلی بدیهی بپذیرند.

بیانگذاران اصلی کلیسای قدسیان آخر زمان (کلیسای مورمون‌ها) بریگهام یانگ و جوزف اسمیت چندهمسری را ترویج کرده‌اند. یانگ و اسمیت هر کدام ۱۲ زن داشتند که سن برخی در حدود ۱۴ سال بود. همسران اسمیت شامل دو خواهر از دو خانواده مختلف بودند که پس از مرگ والدینشان برای مراقبت به او سپرده شده بودند. در هر دو مورد او با دو خواهر ازدواج کرد و ثروت خانوادگی آنها را به ثروت خود افزود (اسمیت، ۲۰۰۸). شاخه‌ی اصلی کلیسای جنبش قدسیان آخر زمان در سال ۱۹۸۰ تعدد زوجات را محکوم کرد، آنها این کار را به عنوان بخشی از تلاش‌های خود برای رسیدن به استقلال پایگاه‌شان در یوتا انجام دادند. علی‌رغم این موضوع، مردمی که از پیشینه‌ی خانوادگی این کلیسا هستند برای چند همسری، تجاوز به کودکان و زنا با محارم اغلب از توجیهات مذهبی استفاده می‌کنند، ادعاهایی که جریان اصلی این کلیسا به طور چشمگیری آن را رد می‌کنند.

اغلب، ارزش‌های فرهنگی/مذهبی به عنوان پوششی برای ستم به دختران و زنان به کار می‌روند (اوکین، ۱۹۹۹). از طرف دیگر مهاجران تازه وارد شاید از انتظاراتی که در کشور جدید از آنها می‌رود تا از دخترانشان محافظت کنند آگاه نباشند و لازم است در این زمینه آنها را مطلع کرد. اگر در یک گروه، بزرگسالان و کودکان فکر کنند که ازدواج دختران جوان با مردان پیرتر مطلوب است مسلماً انگیزه‌ای برای گزارش این ازدواج (یا رابطه جنسی) به مقامات دولتی نخواهند داشت. کارشناسان باید توجه داشته باشند که میان ازدواج تشریفاتی که بین دختری جوان و مردی بزرگسال انجام می‌شود با سوءاستفاده‌ی جنسی دختران بدون ازدواج، شکاف وجود دارد. گرچه هر دو در ایالات متحده ممنوع هستند، اما بهره‌کشی جنسی بدون ازدواج به هیچ وجه توجیه مذهبی ندارد. این مثال‌ها، گرچه به اختصار، سعی بر روشن کردن چگونگی تاثیر تلاقی فرهنگ‌ها و ارزش‌های مذهبی بر افشاگری سوء استفاده‌ی جنسی دارند.

هزینه‌های گزارش دادن که در گروه‌های مختلف فرهنگی متفاوت است

در ایالات متحده در مراکز دولتی که موظف به حفاظت از کودک^۶ هستند کودکان امریکایی آفریقایی تبار و کودکان

^۵ Lashon Hara

^۶ child protection services:

مراکز دولتی که موظف به رسیدگی به گزارش‌های مربوط به کودک آزاری و غفلت در سرپرستی هستند. مترجم از معادل "سیستم‌های محافظ کودک" برای ترجمه استفاده کرده است.

امریکاییان بومی به نسبت بیشتری دیده می‌شوند (هیل ۲۰۰۶، مدروس و والدگیرگیس ۲۰۰۳). دلایلی که مسبب چنین تفاوتی هستند عبارتند از: فقر بیشتر، نژادپرستی نهادینه شده، آمار بالای جرم و جنایت محله و فساد در برخی از جوامع اقلیت، بیکاری فراگیر، دسترسی کمتر به سیستم‌های حفاظتی رسمی و غیررسمی شامل شبکه‌های محله‌ای و بهداشت و درمان (درزوتس و هیل، ۲۰۰۸). هنگامی که کودکان بومی - امریکایی، لاتین و امریکایی آفریقایی تبار از خانه‌هایشان جدا می‌شوند^۷ این احتمال وجود دارد که مداخلات مقامات بیشتر از آنکه جنبه حمایتی داشته باشد خصمانه باشد. به طور مثال به جای آنکه والدین به مراکز روان درمانی ارجاع داده شوند دادخواست‌هایی در جهت فسخ حقوق آن‌ها نوشته می‌شود (روبرت، ۲۰۰۲). پس از جدایی کودکان سیاه پوست، بومی و لاتین از خانواده‌های خود، تمایل بیشتری برای باقی ماندن در خانه‌های امن موقت^۸ در بین آن‌ها دیده می‌شود. این در حالی است که کودکان سفید پوست غیر لاتین کمتر رنگ یک خانه‌ی دائمی را به خود می‌بینند (درزوتس و هیل). تلفات انسانی بیش از اندازه است، این کودکان آسیب پذیر سال‌ها در سیستم‌های شبه خانواده و خانه‌های امن سرگردانند تا نهایتاً به سنی برسند که بتوانند از خود به تنهایی مراقبت کنند. این سرگردانی و عدم ثبات، آن‌ها را بیشتر در معرض خطر بی‌خانمانی، فحشا و درگیری در جرم و جنایت قرار می‌دهد (درزوتس و هیل). تأثیرات نامتناسب سیستم‌های رفاه کودکان^۹ روی خانواده‌های جوامع اقلیت‌های قومی، یکی از عواملی است که اعضای این جوامع در افشاگری سوءاستفاده‌ی جنسی تردید می‌کنند و ترجیح می‌دهند که مساله را در میان خود حل کنند. چرا که در بسیاری از این جوامع، خطر انحلال خانواده و بی‌سرپرست کردن کودکان مساله‌ای بیش از حد عظیم است.

آگاه کردن سیستم‌های رسمی از احتمال سوءاستفاده‌ی جنسی مسبب هزینه است (ماسات و لوندی، ۱۹۹۸). این هزینه‌ها شامل از دست دادن حریم خصوصی و همچنین از دست دادن حمایت‌های خانوادگی و اقتصادی برای بسیاری از خانواده‌هاست. برخی از مادران مدعی شدند که پس از گزارش سوءاستفاده‌ی جنسی به مقامات هزینه‌هایی - به خصوص اقتصادی - متحمل شدند که توسط مسئولین، پیگیری نشده است (پلامر و ایستن، ۲۰۰۷). درحالی که از دست دادن حریم خصوصی ممکن است به عنوان یک عامل بازدارنده‌ی فراملی برای مطلع کردن مقامات دولتی محسوب شود، سایر هزینه‌ها براساس عواملی همچون مرتبه‌ی اجتماعی، قدرت اجتماعی و وضعیت مهاجرت و فرهنگ متغیر هستند. به طور مثال یکی از مراجعین ما، یک دختر اکوادوری در ایالات متحده بود که مادر خود را از سوءاستفاده‌ی جنسی دوست پسرش که از بومیان ایالات متحده بود مطلع کرد. ظاهراً مادر پس از مطلع شدن، از دوست پسر خود خواست که خانه را ترک کند. او سپس از وکیل مهاجرت خود پرسید که چه کاری باید انجام دهد. وکیل مدافع ساعت‌ها دختر را مورد سوال و جواب قرار داد که دقیقاً توضیح دهد که چه اتفاقی افتاده است و آن‌ها پس از هفته‌ها وقفه، موضوع را با سیستم‌های محافظ کودک درمیان گذاشتند. از آنجایی که دختر مصاحبه با وکیل را از لحاظ عاطفی بسیار آسیب‌زننده یافته بود، دیگر حاضر نشد که مساله را مجدد بازگو کند. این مثال نشان می‌دهد که چگونه نگرانی از موقعیت مهاجرت ممکن است مسئله را پیچیده کند و همچنین اگر مصاحبه توسط فردی که حساسیت‌ها را در نظر نمی‌گیرد و آموزش ندیده است انجام شود منجر به این خواهد شد که کودک مساله را هرگز "با مقامات رسمی" بازگو نکند.

^۷ هنگامی که سیستم‌های محافظ کودک به بررسی کودک آزاری گزارش شده می‌پردازند ممکن است به این نتیجه برسند که خانه دیگر مکان امنی برای کودک نیست بنابراین او را از خانه جدا و به مکانی امن‌تر می‌سپارند

^۸ Foster Care

خانواده‌هایی هستند که به مراقبت از کودکانی می‌پردازند که توسط مقامات دولتی از خانواده جدا شده‌اند، مقامات هزینه‌ی نگهداری از این کودکان را به خانواده‌ها پرداخت می‌کنند، این خانواده‌ها دراصل سرپرست کودک نیستند و تنها نقش مراقبی از کودک را بر عهده دارند.

^۹ child welfare system

کودکان عموماً می‌ترسند که افشاگری آن‌ها منجر به ایجاد مشکل برای خانواده‌شان بشود (کریزما، بسکلی، پسی، رومیتو، ۲۰۰۴). بسیاری از کودکان به مددکاران می‌گویند اگر مجبور باشند که دوباره مساله را بازگو کنند هرگز این کار را نخواهند کرد (فلمن، ۱۹۹۸). یکی از قربانیان مکزیکی- امریکایی که از سوءاستفاده‌ی جنسی نجات پیدا کرده، علت بازگو نکردن مساله را با مقامات دولتی، چنین توضیح می‌دهد:

با چه کسی باید در این زمینه صحبت کنیم؟ شما چه تعداد موسسه می‌شناسید که مهاجران غیرقانونی مکزیکی را با وجود تسلط بسیار کم به زبان انگلیسی، پذیرا باشند؟ و می‌دانید که در فرهنگ ما ترس از تبعیض نژادی وجود دارد، ترس از اینکه از کشور اخراجمان کنند و یا از خانواده جدایمان کنند، چون یک سفیدپوست فکر می‌کند که ما به تعداد بیشماری در کنار هم زندگی می‌کنیم و یا یک همچین چیزی. بیشتر مردم در این سرزمین فرهنگ و آداب و رسوم مکزیکیان را درک نمی‌کنند. بلکه حتی تصور اطلاع دادن به افراد خارج از اعضای فامیل جداً ترسناک است (فرانکو، ۲۰۰۶ ص ۴۹).

در یک مطالعه در شیلی، زاغه نشینان تشریح می‌کنند که در کودکی در برابر سوءاستفاده‌ی جنسی که زجرشان داده است سکوت می‌کردند، چرا که در زمان دیکتاتوری پینوشه چنان احساس بدبختی می‌کردند که فکر می‌کردند سوء استفاده‌ی جنسی مساله‌ای بی اهمیت است (فونتس، ۱۹۹۵). کودکان در خانواده‌هایی که با مسائل حادی چون بی‌خانمانی، فقر، بیماری و بیکاری دست و پنجه نرم می‌کنند ممکن است ترجیح بدهند که سکوت کنند تا نگرانی بیشتری بر روی والدینشان تحمیل نشود.

یک هزینه منحصر به فرد دیگر که گروه‌های ستمدیده با آن مواجه هستند بدنام شدن بیشتر اعضایشان به دلیل گزارش سوءاستفاده‌ی جنسی است. کتابی شامل توصیه‌های کارشناسان از هشت اقلیت فرهنگی در امریکا موجود است که به چگونگی برخورد با سوءاستفاده‌ی جنسی در آن فرهنگ‌ها پرداخته است. کارشناسان جملگی تشریح کردند که کودکان از اینکه افشای سوءاستفاده‌ی جنسی به موقعیت و سابقه‌ی جمعیت آن‌ها آسیب بزند نگران بودند (فونتس و، ۱۹۹۵). در واقع گفت‌وگو با غریبه‌ها در این رابطه، به معنی سخن گفتن از مسائل شخصی در جمع است. به طورمثال امریکایی‌های آفریقایی تبار ممکن است در بازگویی آزارهای جنسی تردید کنند چرا که می‌ترسند این افشاگری مسبب حذف بیشتر آن‌ها از جریان غالب در امریکا شود (آبنی و پریست، ۱۹۹۵ ص ۱۱). اگرچه یهودیان از آشکارسازی چنین مشکلاتی با افراد خارج از فرهنگ با یک اصطلاح^{۱۰} "ییدیشی"^{۱۱} تشریح می‌شود که صراحتاً به معنی وضعیت شرم آوری است که غیر یهودیان می‌توانند از آن به عنوان سلاح بر علیه یهودیان استفاده کنند. در فرهنگ‌های اقلیت، به اشتراک گذاشتن مسائل خصوصی با افراد خارج از حلقه آشنایان و افراد نزدیکتر ممکن است به عنوان عملی که توجهات ناخواسته و تهدید آمیز را جذب می‌کند و تمامیت خانواده و جمعیت را به خطر بیندازد دیده شود.

خانواده‌هایی با فرهنگ اتکا بر شبکه گسترده خانوادگی ممکن با افشای متجاوزگی که در بین این شبکه فامیلی است، تمامی سیستم پشتیبانی خود را از دست بدهند. هنگامی که متجاوز خانواده را در دفاع از خود متفق کند، از دست رفتن سیستم‌های پشتیبانی فاحش تر خواهد بود. خانواده‌ها نه تنها به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و احساسی پشتیبانی خود را از دست می‌دهند، بلکه از سایر منابع حمایتی نیز محروم می‌شوند. به طورمثال آن‌ها ممکن است حمایت افرادی چون

¹⁰ Shandeh fur die Goyim

¹¹ Yiddish:

زبانی که نزدیک به هزار سال زبان مادری یهودیان اشکناری ساکن اروپای شرقی و مرکزی بوده است

مادربزرگ که از کودک نگهداری می‌کرده، خاله‌ای که به دنبال کودک به درب مهد می‌رفته و یا برادرشوهری که برف جلوی خانه را پارو می‌کرده را نیز از دست بدهند. زمانی که متجاوز خانواده را به لحاظ اقتصادی مورد حمایت قرار می‌دهد از دست دادن درآمد او ممکن است سبب بی‌خانمان شدن خانواده‌ی کم‌درآمد شود. به‌علاوه بیمه‌های درمانی خانواده عموماً به اشتغال متجاوز گره خورده است.

هزینه‌های گزارش‌دهی، که به بدنامی خانواده منتهی شود بسیار گران‌تر از آنند که بیشتر خانواده‌ها بتوانند تحمل کنند. خانواده‌های که با گروه‌های مختلف اجتماعی یا با مراکز مذهبی در ارتباط تنگاتنگ هستند ممکن است که اطلاع یافتن غریبه‌ها از سوءاستفاده‌ی جنسی را باعث طرد شدن خود از آن گروه‌ها ببینند. در زوج‌های مهاجر این امکان وجود دارد که اگر همسر متجاوز تصمیم بگیرد که بر علیه او شکایت کند و یا حاضر به پیروی از درخواست او نشود، متجاوز او را به بدنامی در جمع هم‌میهنان مهاجر و حتی در کشور مبدأ تهدید کند.

موانع ساختاری سر راه افشاگری

مضاف بر مسائل فرهنگی که می‌توانند بازگویی سوءاستفاده‌ی جنسی را برای کودکان سخت کنند، عوامل متعدد اجتماعی و سازمانی نیز می‌توانند مانعی بر سر راه افشاگری باشند. نگارندگان این مطلب باوردارند که این عوامل بسیار حائز اهمیت هستند و در مقالاتی دیگر به چگونگی تغییر آن‌ها به تفصیل پرداخته‌اند (برای اطلاعات بیشتر به فونتس، ۱۹۹۳، ۱۹۹۵، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸ مراجعه شود). این موانع ساختاری شامل موارد پیش‌رو می‌باشد: نبودن مهارت‌های زبانی در هنگام بازپرسی و مصاحبه، فقدان اسناد به زبان مادری خانواده‌ها، قوانین ناعادلانه مهاجرت، نژادپرستی و سایر تبعیضات، موانع اقتصادی که بر روی بازپرسی و مداخلات تداخل ایجاد می‌کند، کمبود بیمه‌ی درمانی مناسب، مدارس پرجمعیت که در آن‌ها معلمان قادر نیستند که دانش‌آموزان خود را به حدی بشناسند که سوءاستفاده‌ی را تشخیص دهند و غیره. هم‌تغییرات ساختاری و هم‌تلاش‌های افراد و موسسات که در این مقاله به بحث گذاشته شده است ضروری هستند تا به کودکان از تمامی فرهنگ‌ها کمک شود که زمانی که مورد آزار قرار گرفتند افشاگری کنند و زیر فشار، دست به انکار نزنند.

حمایت‌های فرهنگی از افشاگری

ما مراقبیم این تصور را ایجاد نکنیم که عوامل فرهنگی و به خصوص آن‌هایی که بر روی اعضای گروه‌های اقلیت در ایالات متحده تاثیرگذارند جملگی منفی هستند. به راستی همچنان که عوامل فرهنگی می‌توانند افشاگری را برای کودکان مشکل کنند قادرند آن را نیز تسهیل کنند. پژوهش و ادبیات بالینی اندکی به این موضوع پرداخته‌اند. مرکزیت رابطه‌ی قوی میان مادر و کودک حوزه‌ای است که سزاوار توجه خاص است و نشان می‌دهد که نه تنها وجودش به ناباوری کمتر و افشاگری بیشتر منجر می‌شود (ایلیت و بریره، ۱۹۹۴، لاسون و کافین ۱۹۹۲) بلکه می‌تواند بعد از آسیب، به نتایج بهتری نیز برای کودک قربانی منجر شود (دبلینگر، استافر و لندزبرگ، ۱۹۹۴، لیپتون ۱۹۹۷). گرچه بررسی این موضوع به تفصیل در این مقاله نمی‌گنجد، اما اهمیت واکنش مادر به ادعای سوءاستفاده بسیار مهم است. این واکنش عمدتاً در بستر فرهنگی که رابطه میان مادر و کودک در آن ایجاد می‌شود، شکل می‌گیرد. عواملی فرهنگی که ممکن است کودک را از سوءاستفاده‌ی جنسی محافظت کرده و افشاگری را تسهیل کنند عبارتند از: عدم تحمل رفتارهای جنسی بزرگسالان با کودکان، ارج گذاری بیشتر بر روی زنان و کودکان، نظارت گسترده خانواده بر کودکان، دخالت مستقیم مردان در پرورش کودکان، روابط نزدیک بین مادران و فرزندان خود، تحریم اجتماعی قوی در برابر سوء استفاده‌ی جنسی، دیدن کودکان به عنوان موجودات غیر جنسی، حمایت از کودکان برای صحبت کردن و شناساندن

نیازهایشان، [فرآیند] رشد اجتماعی به سمت روابط و فعالیت‌های جنسی با توافق و مشارکت طرفین، گفتمان آزاد درباره تمایلات جنسی و همچنین وجود منابع رسمی و غیررسمی در حفاظت از کودکان. گرچه بدون مطالعات بیشتر در این زمینه، متخصصان با اعمالی که امنیت کودکان را در مقابل سوءاستفاده‌ی جنسی افزایش یا کاهش دهند مخالفت می‌کنند. به عنوان مثال برخی ممکن است معتقد باشند که جداسازی کودکان بر اساس جنسیت به حفاظت از دختران می‌انجامد در حالی که بعضی دیگر جداسازی را به عنوان زنگ خطری محسوب می‌کنند که منجر به شخصیت‌زدایی از جنسیت مقابل می‌شود و دو جنسیت را در تعامل با یکدیگر ناآشنا می‌کند (پلامر و نجونگونا، ۲۰۰۹).

گزارش سوءاستفاده‌ی جنسی به مقامات: بسترهای فرهنگی و ساختاری

تشخیص سوءاستفاده‌ی جنسی

مردم از فرهنگ‌های مختلف در ایالات متحده برداشت‌ها و تعاریف مختلفی از سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان دارند که بر روی تصمیم آن‌ها در گزارش‌دهی تاثیرگذار است (فونتس ۲۰۰۵، ۱۹۹۵). برخی از پژوهشگران (لوه، پوکوک، کاسانووا و تچلر) در سال ۲۰۰۵ پی بردند که تفاوت فاحشی میان سیاه‌پوستان، سفیدپوستان و اسپانیایی‌زبانان ساکن ایالات متحده در تشخیص سوءاستفاده‌ی جنسی و تمایلشان به گزارش آزار نیست. این در حالی است که همان محققین دریافتند که تفاوت این گروه‌های اجتماعی در تعیین پایین‌ترین سطح از "شدت" سوءاستفاده‌ی جنسی است، بزرگسالان سیاه‌پوست و اسپانیایی‌زبان نسبت به سفیدپوستان زودتر سوءاستفاده را تشخیص می‌دهند و زودتر تمایل دارند که آن را گزارش دهند. یک مطالعه نشان داد که به احتمال زیاد زنان امریکایی آفریقایی تبار و لاتین در تشریح سوءاستفاده‌ی جنسی از عبارات استعاری مثل "از بین بردن معصومیت کودک" استفاده می‌کنند این در حالی است که مردان همان فرهنگ در تعریف این سوءاستفاده از الفاظی استفاده می‌کنند که رفتارهای جنسی را صریح و روشن شرح می‌دهند (فونتس و سایرین ۲۰۰۰، ۲۰۰۱). در همان پژوهش محققین متوجه شدند که بزرگسالان سیاه‌پوست و لاتین مدعی هستند که هنگامی که به سوءاستفاده‌ی جنسی توسط یک غریبه پی ببرند بی‌درنگ آن را گزارش خواهند داد. این در حالی است که همین بزرگسالان در پاسخ به این سوال که اگر سوءاستفاده‌ی جنسی از طرف یک دوست و یا عزیزی باشد چه می‌کنند، گفتند که آن‌ها از طرق غیر رسمی رسیدگی خواهند کرد، مثلاً با متجاوز و یا کودک قربانی گفت‌وگو می‌کنند و دقیق‌تر حواسشان را روی کودک جمع می‌کنند. ما نمی‌دانیم هنگام کشف سوءاستفاده‌ی جنسی چگونه تفاوت در تعاریف و تمایل به گزارش‌دهی، ممکن است بر خود گزارش تاثیر بگذارد.

از آنجا که سوءاستفاده‌ی جنسی بیشتر توسط افرادی صورت می‌گیرد که کودک با آن‌ها آشنا است تردید بزرگسال برای گزارش چنین مواردی نگران‌کننده است.

رسیدگی به سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان از کانال‌های غیر رسمی

عواملی چون پاسخ‌هایی که حساسیت‌ها را در نظر نمی‌گیرند، سرزنش قربانی، کند بودن فرایندهای قانونی و احتمال جدا شدن اجباری اعضای خانواده باعث می‌شوند که خانواده‌ها از تمامی گروه‌های مختلف اجتماعی هنگامی که به وجود سوء استفاده‌ی جنسی در میان اعضا شک می‌کنند و یا از آن اطمینان حاصل می‌کنند به گزارش دادن آن بی‌میل باشند. یک زن سفیدپوست که سوءاستفاده‌ی جنسی پسرش از دختر کوچکترش را به مقامات گزارش داده است می‌گوید "اگر از آنچه امروز بر آن واقفم، آن زمان آگاه بودم هرگز آن را گزارش نمی‌دادم" (پلامر و ایستن، ۲۰۰۷). همچنان که در بخش هزینه‌های گزارش‌دهی بحث کردیم، مهاجرین و اقلیت‌های فرهنگی در ایالات متحده دلایل محکم‌تری دارند که

سوءاستفاده‌ی جنسی را علنی نکنند و از راه‌های غیر رسمی برای پاسخ به آن استفاده کنند.

کار ما در میان گستره‌ای از فرهنگ‌ها در ایالات متحده و همچنین در سایر کشورها مملو است از مواردی که در پاسخ به سوءاستفاده‌ی جنسی از راه حل‌های جایگزین به جای گزارش به مقامات و پیگیری‌های قانون استفاده شده است. گاهی اوقات این طرق جایگزین در طول چند نسل تنها پاسخی هستند که به این سوءاستفاده داده می‌شوند و به عنوان "طبیعی ترین" راه حل شناخته می‌شوند. ترتیبات غیررسمی‌ای که در پاسخگویی به سوءاستفاده‌ی جنسی از آن‌ها استفاده می‌شود بسیار گسترده‌اند و همگی هم کارآمد نیستند. به طور مثال نقش مادری قوی (مادر یا مادر بزرگ) می‌تواند در صورت شدت یافتن سوءاستفاده‌ی مردی، او را مجبور به ترک خانه کند، حتی اگر هرگز مساله را با مقامات دولتی در میان نگذارند. در بعضی خانواده‌ها هم ممکن است، متجاوز را اگر از میان اعضای فامیل نباشند، مجبور به ازدواج به قربانی کنند تا اعتبار و آبروی دختر حفظ شود (لیو، ۲۰۰۰، زمان، ۲۰۰۵). در پاسخ به سابقه‌ی کودک آزاری در یک خانواده، ممکن است کودکی مجبور شود به خانقاه یا صومعه سپرده شود، به مدرسه‌ی شبانه روزی برود و یا به مکان جغرافیای دیگری فرستاده شود تا با فامیل دور زندگی کند. در بسیاری از فرهنگ‌ها پدر دختر آسیب دیده، ممکن است به غرامت از آبروی رفته‌ی دخترش درخواست مبلغ مالی کند که البته این بیشتر به نفع خود او است تا به نفع دختر. ممکن است به راحتی به قربانی بگویند که باید راه‌هایی پیدا کند که سوءاستفاده را تحمل کند. در یک پژوهش، دختران مهاجری که از فرهنگ‌های مختلف آمده بودند گزارش دادند که یا کسی آن‌ها را راهنمایی کرده بود و یا خود به چنین درکی رسیده بودند که از دسترس متجاوز دور ماندن، تنها راهی است که می‌توانستند امن بمانند و سال‌ها به زندگیشان ادامه بدهند، بدون اینکه مسئله را با کسی در میان بگذارند (تیاگی، ۲۰۰۱).

افشاگری و فرهنگ در مصاحبه‌های کارشناسان

تعداد مصاحبه‌ها در موارد سوءاستفاده‌ی جنسی به هیچ عنوان نزدیک به تعداد موارد اتفاق افتاده نیستند. کارشناسان چه برای سازمان‌های حفاظت از کودکان، چه برای پزشک قانونی و چه برای مراکز درمانی کار کنند، باید تلاش ویژه‌ای را متحمل شوند تا قابلیت مصاحبه، ارزیابی و کار با کودکان و خانواده‌هایشان که از نژاد، فرهنگ و گروه‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوتی هستند را کسب کنند. قابلیت فرهنگی، توانایی درک دیدگاه و زندگی متنوع مردم و تطبیق کارمان، متناسب با آن‌ها است (آبنی، ۲۰۰۱). کارشناسان اگر بخواهند مصاحبه‌ی موثری در مورد سوءاستفاده‌ی جنسی با کودک داشته باشند، لازم است آن را به روش‌هایی انجام دهند که از لحاظ فرهنگی شایسته باشند. مطالب اندکی در مورد چگونگی انجام این گونه مصاحبه‌ها نوشته شده‌اند (فونتس، ۲۰۰۵، ۲۰۰۹، فونتس و فلاز، ۲۰۰۷). قابلیت فرهنگی داشتن، چالش برانگیز است چرا که فرهنگ‌ها ایستا نیستند. اینکه چگونه فرد و یا گروهی در یک فرهنگ زندگی می‌کنند مدام در بستر بزرگتر تحولات اجتماعی در حال تغییر است. اگر لیستی از تفاوت‌های فرهنگی داشته باشیم به زودی منسوخ و یا حتی معکوس می‌شوند و این به دلیل این است که افراد و فرهنگ‌ها مدام در حال توسعه و تحول هستند.

آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی مقوله‌ی بسیار کلیدی است، این در حالیست که متاسفانه می‌تواند توسط کارشناسانی که تنها اطلاعات ابتدایی از فرهنگ یک ملت به دست آورده‌اند، منجر به کلیشه شود. اگر کارشناسان بخواهند خود را هم از ناآگاهی فرهنگی و هم کلیشه سازی دور نگه دارند لازم است که به طور پیوسته با هر خانواده‌ای که با آن کار می‌کنند، به بازتاب کار خود بیاورند، تا نسبت به پاسخ‌ها و تعصبات احتمالی خود آگاه شوند. توانایی و عملکرد کارشناسان برای برقراری رابطه با مراجعین خود تحت تاثیر عواملی چون، ارزش‌هایی که به آن اعتقاد دارند، نظریه‌های که در کار از آن استفاده می‌کنند، تعصباتی که ممکن است نسبت به یک طبقه اجتماعی داشته باشند و حتی تصویری که از آگاهی

در مورد یک فرهنگ دارند می‌باشند. این خودآگاهی و اندیشه‌ی مکرر به بازتاب کار خود با عبارت "تواضع فرهنگی" تعریف می‌شود (تروال و ماری-گراسیا، ۱۹۹۸). حتی زمانی که کارشناسان نسبت به تصورات و تعصبات خود آگاه هستند مراجعین گاهی متوجه‌ی آنها خواهند شد (پرز-فاستر، ۱۹۹۹). اگر کارشناسان به یاد داشته باشند که نه تنها مراجعین بلکه خودشان [نیز] انسان‌هایی هستند که در بستر فرهنگی شکل گرفته‌اند و در هر برخورد حرفه‌ای از عادات تشریفاتی/غیر تشریفاتی، صمیمیت/سردی، [میزان نزدیکی]/ [حفظ] فاصله، رفتارهای غیر کلامی و عبارات ترجیحی استفاده می‌کنند که از آن بستر فرهنگی نشات می‌گیرد، به مراتب بهتر عمل خواهند کرد (فونتس، ۲۰۰۸). پژوهش داویس و باتومز (۲۰۰۲) نشان می‌دهد لحن صدای صمیمی و حمایتگر به کودکان کمک می‌کند که به افشاگری دقیقتری دست بزنند و در صورت لزوم اگر در مصاحبه خطایی صورت گرفته است مصاحبه کننده را اصلاح کنند. این احتمال می‌رود که مصاحبه کنندگانی که نسبت به تعصبات خود آگاه نیستند نتوانند با کودکان ارتباط برقرار کنند که [این امر] باعث پایین آمدن دقت و صحت مصاحبه می‌شود.

در نهایت، مصاحبه کنندگان قادر نیستند مردم را وادار به صحبت کردن درباره چیزی بکنند که آن‌ها ترجیح می‌دهند در موردش سکوت کنند. در بهترین حالت، مصاحبه کنندگان فقط می‌توانند سمت گفت‌وگوی خود را کنترل کنند. مصاحبه کنندگان می‌توانند با احترام گذاشتن، دوباره فکر کردن، قضاوت نکردن، تا آنجا که ممکن است ارتباط برقرار کردن و مطمئن بودن از اینکه این فرصت به مراجعین داده شده که با زبان مادری با آن‌ها گفت‌وگو شود شرایطی را فراهم کنند که افشاگری کودکان از فرهنگ‌های مختلف را تسهیل کنند. در بخش زیر به ارائه پیشنهاداتی از دیدگاه فرهنگی به منظور پیشرفت در انجام مصاحبه‌ی بهتر می‌پردازیم. اگرچه این پیشنهادات، بیشتر مصاحبه توسط پزشکان قانونی را مد نظر قرار داده است، اما امیدمان این است که این پیشنهادات برای سایر متخصصین، هنگام گفت‌وگو با کودکان و خانواده‌هایشان از فرهنگ مختلف، نیز مورد استفاده قرار گیرد.

مصاحبه توسط پزشک قانونی و پیشنهادات

ایده‌های زیر، که عموماً با پرسش طرح شده‌اند، دستورالعملی برای ملاحظات مهمی خواهند بود که می‌توانند به پیشرفت قابلیت‌های فرهنگی در مصاحبه منجر شوند. نگارندگان در تهیه تمامی این ایده‌ها - که اغلب با مطالعات تایید شده‌اند - از دهه‌ها تجربه بالینی خود و همچنین انجام مصاحبه برای دادگاه استفاده کرده‌اند. مسلم است که علاوه بر اینکه مصاحبه باید بر اساس فرهنگ کودک تنظیم گردد، ضروری است که مصاحبه کننده کار خود را با سن و جنسیت مصاحبه شونده نیز تطبیق دهد.

برنامه ریزی برای مصاحبه

۱. تا چه میزان شرایط مصاحبه، پذیرای مردمی است که از فرهنگ‌های متعدد آمده‌اند و باعث راحتی آن‌ها می‌شود؟ توجه ویژه‌ای به این موارد داشته باشید: پیشینه‌ی فرهنگی کارمندان موسسه، زبان آنچه نوشته شده است، مجلاتی که در اتاق انتظار هستند و کارهای هنری آویزان بر دیوار.

۲. کارشناسی که موضوع را بررسی می‌کند تا چه میزان از قابلیت و تواضع فرهنگی برخوردار است، و تا چه میزان می‌تواند کارش را در هنگام مصاحبه و مداخله با فرهنگ خانواده تطبیق دهد.

۳. خانواده، خود را به کدام گروه یا گروه‌های اجتماعی متعلق می‌داند؟ هر خانواده‌ای ممکن است ارتباط روشنی با یک فرهنگ یا چند گروه که شامل شبکه‌های اجتماعی و مذهبی است داشته باشد که ارزش‌های فرهنگی و عملکردش را

شکل می‌دهد.

۴. تا چه حد این گروه [اجتماعی/مذهبی] بر روی کودک و یا خانواده تاثیر دارد؟ این سوال به برخی از جوانب فرهنگ پذیری که شامل مدت زمانی که خانواده در این کشور زندگی کرده است یا مدت زمانی که آن‌ها با کسانی که از فرهنگ خودشان هستند وقت صرف می‌کنند بستگی دارد. متداول است که اعضای یک خانواده سطح فرهنگ پذیری متفاوتی داشته باشند.

۵. در این خانواده تا چه حدی جنسیت کودک با عوامل فرهنگی در تعامل است؟ از آنجایی که مردان و زنان با مسائل مشخصی که می‌توانند بر افشاگری موثر باشند روبه‌رو هستند، به بررسی این موانع احتمالی، پیش از انجام مصاحبه پردازید.

۶. کدام موانع فرهنگی بر سر راه افشاگری قابل شناسایی هستند؟

۷. در این بستر فرهنگی و فردی، چه ترس‌هایی از گزارش سوءاستفاده‌ی جنسی به مقامات رسمی وجود دارد؟

۸. هزینه‌های احتمالی گزارش دادن مسئله کدامند؟ این هزینه‌ها می‌تواند شامل از دست دادن حمایت‌های اجتماعی، مالی، احساسی، حقوقی و فرهنگی باشند که نه تنها به واسطه خود سوءاستفاده، بلکه عمومی شدن آن و مداخلات قضایی پس از آن ایجاد می‌شوند. اغلب این هزینه‌ها نادیده گرفته می‌شوند و در ازای آن کمکی به خانواده نمی‌شود. در نتیجه ممکن است افشاگری یا گزارش سوءاستفاده‌ی جنسی اصلاً صورت نگیرد یا از آن عقب‌نشینی شود.

۹. برای دستیابی به قابلیت‌های زبانی چه چیزی لازم است؟ با کودکان باید با زبانی صحبت شود که ترجیح می‌دهند. در حالت ایده‌آل یک مصاحبه‌گر آموزش دیده‌ی دو زبانه مصاحبه را انجام دهد. گزینه دوم که ارجحیت کمتری دارد این است که مصاحبه‌گر آموزش دیده از یک مترجم حرفه‌ای کمک بگیرد. مصاحبه کردن به کمک مترجم ساده نیست و هم مصاحبه‌گر و مترجم لازم است پیش از مصاحبه، به چگونگی انجام آن فکر کنند (برای پیشنهادات بیشتر به فونتس در ۲۰۰۵، ۲۰۰۸ رجوع شود).

۱۰. جوانب مثبت و منفی تطابق فرهنگی میان کودک و مصاحبه‌گر چیست؟ مطالعات در این زمینه هم اندک هستند و هم متضاد (دانکرلی و دالنبگ، ۱۹۹۹، سپرینگمن، وهری و نوتارو ۲۰۰۶). این پرسش لازم است به صورت موردی بررسی شود. در برخی از موارد کودک ممکن است با مصاحبه‌گری که همانند او از یک نژاد یا قوم آمده باشد احساس راحتی بیشتری کند. در دیگر شرایط ممکن است برای کودک دشوار باشد که در مقابل کسی که از همان گروه کوچک قومی، قبیله یا طایفه آمده است و یا کسی که او را به یاد متجاوز می‌اندازد افشاگری کند. حداقل مصاحبه‌گر باید تعلیمات لازم را برای انجام مصاحبه‌های پزشک قانونی دیده و در مورد ارزش‌های فرهنگی و آداب و رسوم خانواده مطلع باشد. نیاز به قابلیت زبانی نیز [نکته ای] کلیدی است.

۱۱. آیا مصاحبه‌گر از وظایف [مربوط] به اخلاق حرفه‌ای خود آگاه است؟ در حالی که مصاحبه‌های پزشک قانونی به منظور مجازات و پیگردهای قانونی انجام می‌شود مصاحبه‌گر باید وظیفه‌ی اخلاقی خود را تشخیص دهد و رفاه کودک را نسبت به پیگردهای قانونی در الویت قرار دهد.

در هنگام مصاحبه

۱. آیا مصاحبه‌گر، کودک را به درستی با شرایط مصاحبه آشنا کرده است؟ دادن اطلاعات دقیق درباره‌ی مراحل مصاحبه و توقعات از آن می‌تواند به کودک کمک کند که راحت‌تر باشد. در حالیکه برای همه‌ی کودکان این موضوع مهم است، کودکان مهاجر و اقلیت‌های فرهنگی ممکن است نسبت به سایر کودکان آشنایی کمتری با محیط و توقعاتی [که از او می‌رود] داشته و ممکن است به راهنمایی و قوت قلب بیشتری نیاز داشته باشند.

۲. آیا مصاحبه‌گر باید تابوهای رایج را با احتیاط به چالش بکشد؟ به طور مثال ممکن است لازم باشد که مصاحبه‌گر به طور مستقیم این پیش فرض که کودکان در مقابل مقامات ساکت خواهند بود را با بیان جمله‌ای چون "بیشتر مواقع آدم بزرگ‌ها دوست ندارند که بچه‌ها زیاد حرف بزنند. ولی اینجا، من واقعا نیاز دارم آنچه برای گفتن داری را بشنوم" به چالش بکشد.

۳. آیا مصاحبه‌گر قادر است سکوت را تحمل کند؟ مصاحبه‌گر باید اجازه بدهد در بخش‌های از مصاحبه سکوت برقرار شود بدون اینکه سوال جدیدی بپرسد یا سوال قبلی را با عبارات جدید مجدداً تکرار کند. سکوت موجب می‌شود که مصاحبه شونده افکارش را جمع کند، لغات مناسب و شجاعت لازم برای سخن گفتن را پیدا کند.

۴. آیا رفتار مصاحبه‌گر گرم و تاثیرپذیر هست؟ مصاحبه‌گران باید در نظر داشته باشند که اظهاراتی ارائه بدهند که نشان‌دهنده‌ی درکشان از سختی مصاحبه است مثلاً بگویند "می‌دانم که دارم سوالات زیادی می‌پرسم". مصاحبه‌گر همچنین می‌تواند با گفتن جملاتی چون "گفت‌وگویمان چگونه برایت پیش می‌رود؟" یا "تو داری به خوبی از پس این سوالات سخت برمی‌آیی" نشان دهد که به احوالات مصاحبه‌شونده توجه دارد. بر خلاف نگرانی [رایج]، صمیمیت در یک مصاحبه به انجام گزارش‌های غلط‌تر نمی‌انجامد بلکه منجر به صحت بیشتر آن‌ها می‌شود (داویس و بوتوم ۲۰۰۲).

۵. آیا سوالاتی که پرسیده می‌شود در برگیرنده‌ی همه‌ی انواع خانواده است؟ مصاحبه‌گر باید سوالات را به گونه‌ای بپرسد که بیان‌کننده‌ی درک او از وجود اشکال مختلف خانواده در دنیای امروز باشد. او باید اذعان کند که امروزه خانواده‌ها شامل اشکال گوناگونی از جمله خانواده‌های تک سرپرست، خانواده‌هایی که در آن هر یک از زوجین از ازدواج یا ارتباطات قبلی خود صاحب فرزندی است، خانواده‌هایی با یک مادر و چندین شریک مرد، خانواده‌هایی که در آن‌ها پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها نقش کلیدی در نگهداری از کودکان دارند، خانواده‌های هم‌جنس‌گرا، خانواده‌هایی که به طور غیر رسمی کودکی را به سرپرستی گرفتند و خانواده‌هایی که ساختاری دارند که در آن بزرگسالی غیر والد و یا کودکان بزرگتر مسئولیت مراقبت را برعهده دارند (فونتنس و فالر ۲۰۰۷، ص ۱۶۸). مصاحبه‌گری که سوالات را به گونه‌ای می‌پرسد که نشان می‌دهد فرض را بر آن گرفته که کودک در یک خانواده کلیشه‌ای هسته‌ای زندگی می‌کند ممکن است ناخواسته کودکان را سردرگم کرده یا به آنها توهین کند که در نتیجه احتمال دارد کمتر به اطلاعات کامل و صحیح دست یابد.

پس از مصاحبه

۱. آیا مصاحبه‌گر یا وکیل، کودک را پس از مصاحبه به نهادهای حمایتی پیوند داده است؟ از آنجایی که ممکن است پس از پایان مصاحبه، کودک دچار احساسات شود یا خاطراتش را مرور کند یا ممکن است در معرض فشار مضاعف قرار گرفته و حرف‌هایش را پس بگیرد، مصاحبه‌گر باید به او کمک کند تا افرادی را در میان فامیل یا خارج از فامیل شناسایی نمایند که از او حمایت کنند.

۲. اگر آن سرویس اجتماعی که مصاحبه را ترتیب داده است این موقعیت را دارد که به آن کودک و خانواده‌اش خدمات بدهد روی چه ارزش‌های فرهنگی و نقاط قوتی می‌تواند دست بگذارد تا مداخله نفوذپذیر و مطمئنی را برای کودک فراهم کند؟ چگونه خویشتاندانی که بی‌آزارند قادرند عهده‌دار پذیرش، حمایت و بازسازی رابطه با کودک قربانی شوند.

توصیه‌ها: قدم‌های بعدی در توسعه قابلیت فرهنگی

همه کارشناسان نه تنها باید به طور فعال به یادگیری بیشتر در مورد فرهنگ‌ها، تغییرات پویای فرهنگی و تفاوت فرهنگی خانواده‌ها بپردازند، بلکه هنگامی که با مراجعین از پیشینه‌های فرهنگی گوناگون کار می‌کنند، لازم است بیاموزند که چگونه ممکن است پیش‌بینی‌هایشان، تعصباتشان، تاثیرات متقابلی که مراجعه کننده و کارشناس روی هم می‌گذارند، خط مشی سرویس اجتماعی و مداخلات همراه با حسن نیت، دستخوش تغییرات و به روز رسانی شوند. واضح است که استخدام کارشناسان مختلف، حصول اطمینان از داشتن محیط کاری با کیفیت و ارائه آموزش‌های مربوط مسائل فرهنگی به پیشبرد قابلیت فرهنگی کمک می‌کند، به علاوه بازرسی مرتب که شامل دیدگاه‌های فرهنگی باشد نیز می‌تواند مفید باشد. در راستای این تلاش‌ها بررسی‌های انتقادی و از بین بردن موانع ساختاری و سیستماتیک برسر راه افشاگری سوء استفاده‌ی جنسی، ما را به سمت هدف نهایی‌مان که حفاظت از کودکان، بدون در نظر گرفتن پیشینه قومی/فرهنگی است، نزدیک خواهد کرد.

نتیجه گیری

تحقیقات در ارتباط با تاثیرات فرهنگی بر روی افشاگری، نوپا و محدود هستند. اما تحقیقات و تجربه‌های بالینی، ما را بر آن می‌دارد که به این نتیجه برسیم که فرهنگ نه فقط در مواردی که کودکان در آن‌ها به وضوح از گروه‌های اقلیت هستند، بلکه در تمامی مواردی که کودکان به افشاگری می‌اندیشند یا از آن‌ها خواسته شده که به چنین کاری دست بزنند به عنوان عاملی برجسته نقش بازی می‌کند. هیچ مقاله‌ای، چک لیستی یا مجموعه‌ای از اصول نخواهد توانست طیف وسیعی از افراد منحصر به فرد و خانواده‌هایی که برای مصاحبه در زمینه‌ی سوء استفاده از کودکان آمده‌اند را در نظر بگیرد. فرهنگ‌ها به طور مرتب در حال ظهورند، مردم همیشه در حال تغییر هستند و یادگیری پیوسته در مورد فرهنگ، یک فرایند مداوم است که همیشه مصاحبه‌گران را به چالش خواهد کشید تا در ارائه خدمات به کودکان و خانواده‌های‌شان از فرهنگ‌های مختلف، منعطف بمانند.

ملاحظات

۱. مباحث فرهنگی می‌تواند به عدم بررسی تنوع انسان‌ها و تجربیاتشان که در یک گروه فرهنگی مشخص موجود است منجر شود. در این مقاله ما به شدت سعی کردیم تا در حالی که مسائل فرهنگی را روشن می‌کنیم، از کلی گویی و کلیشه سازی دور بمانیم. این همیشه آسان نیست.

۲. ما از ناکافی بودن اصطلاحات فعلی برای تشریح گروه‌های مختلف جمعیتی آگاه هستیم. ما از اصطلاح لاتین برای تشریح مردم امریکایی-لاتین یا اسپانیایی تبار که در امریکا و کانادا زندگی می‌کنند استفاده کردیم. از اصطلاح سفیدپوست برای توصیف اروپایی تبارها استفاده شده است، ما از واژه‌ی امریکایی آفریقایی تبار برای توصیف آفریقایی تبارها که در ایالات متحده رشد کرده‌اند بهره گرفتیم. هرچا مطالعات سایر نویسندگانی را به بحث گذاشتیم که در آنها از کلمه سیاه یا هاسپانیک بهره گرفته شده بود آن‌ها را عیناً استفاده کردیم. ما درک می‌کنیم که به کارگیری این عناوین، بیش از حد عمومی و گسترده است و در فرایند "یکسان سازی قومی" ممکن است بسیاری از مردم از قلم افتاده باشند که ما از این بابت متاسف هستیم.

